

## روانشناسی بازارهای مالی

برای درک فرایندهای بازارهای مالی، شما نیاز به درک کمی از روانشناسی بازار دارید. در هنگام انجام معامله تمام احساسات و خواسته ها به مراتب بیشتر از حالت معمول می باشد. احساساتی همانند خشم، عصبانیت، ترس و امید گام نخست تجارت خواهد بود که اغلب برای معامله گر بسیار مهم است.

ضعف و طمع، نداشتن سرعت عمل و اعتماد به نفس بالا معامله گر را به قربانیان بازی تجارت تبدیل خواهد کرد. دانستن نقاط ضعف و کاستی های خود به شما برای جلوگیری از ورشکستگی کمک خواهد نمود. اگر شما بتوانید به درستی رفتار و روانشناسی معامله گران دیگر را ارزیابی کنید به موفقیت خواهید رسید.

### طمع

حس غالبی که افراد را وادار به مشارکت در بازارهای مالی می کند عطش ریسک کردن است. اگر شما در زندگی روزمره بیش از حد محتاط هستید، فرصت های زیادی را در معاملات سودآور بازار از دست خواهید داد، بنابراین بهترین راه حل برای شما انتخاب نوع دیگری از کسب و کار می باشد. کسب و کاری که امن و کم مخاطره و کم ریسک باشد.

اگر شما میخواهید شانس خودتان را امتحان کنید، با خرید و فروش در بازارهای مالی بیشتر خودتان را در معرض خطر بزرگی قرار خواهید داد. ما به شما توصیه میکنیم که یک کازینو را انتخاب نمایید که خیلی بهتر و ارزانتر خواهد بود.

شما باید دو نوع انگیزه را در نظر بگیرید:

الف) منطقی، که برای یک معامله گر حرفه ای طبیعی و برای یک معامله گر تازه کار قبل از اولین معامله خود مورد نیاز است.

ب) غیرمنطقی یا همان احساس که یک شور و شوقی است که هر معامله گر دارد، اما تعدادی از معامله گران با احساسات بیش از حد محکوم به شکست می شوند.

اگر به موارد زیر توجه کنید، تشخیص انگیزه شما در طول معاملات سهل و آسان است:

1) شما به دنبال نظر دیگران هستید

2) شما با افکار و منطق خود کار میکنید (بدون داشتن اطلاعات کافی از بازار سرمایه)

3) شما بدون هیچ برنامه ریزی قبلی وارد بازار سرمایه شده اید.

همه موارد فوق نشان میدهد که معامله گر با شور و هیجان در بازار مالی حرکت میکند نه با دلیل که بهترین راه حل درمان برای کنترل هیجان، آماده کردن یک طرح مالی از فعالیت هاست.

امیدواری برای کسب سود یکی دیگر از عوامل محرک برای معامله گر است. بدون شک هدف از هر کاری بدست آوردن و حداکثر رساندن سود است. با این حال اگر امید و انتظار بیش از محاسبات باشد خطرات ناشی از اغراق در توانایی های خود از تجزیه و تحلیل موقعیت موجود وجود دارد. به طوری که در تصورات خود شما می توانید درآمد اندک واقعی را به یک سود غول پیکر دست نیافتنی تبدیل کنید. امید و انتظار باید با محاسبات معقول و منطقی ارائه شود که قابل دستیابی باشد لذا انتظار اغراق آمیز منجر به نابودی معامله گر تازه کار و مبتدی خواهد شد.

امید در دو مورد زیر بسیار مهم و ضروری است:

1- در هنگام ورود به بازار : معامله گر به امید کسب سود وارد بازارهای مالی خواهد شد و اگر چنین امیدی در ابتدای ورود به بازار وجود نداشته باشد مطمئنا انگیزه ای جهت ورود به بازار وجود نخواهد داشت.

2- در زمان از دست دادن و فقدان : معامله گر زمانی که امید به تغییر در بهبود اوضاع دارد وقتی در ضرر دست و پنجه نرم می کند این نوع امید سمی و کشنده است.

سه مرحله قبل از رسیدن به حالت اضطراری امید وجود دارد :

1- اول اینکه با ضرر و زیان جزیی و اندک امید به برگشت وجود دارد که اغلب توجیه پذیر و اجتناب ناپذیر است.

2- فاز دوم شروع می شود که در این مرحله زیان ادامه خواهد داشت لذا در این زمان برای معامله گر بسیار دشوار و سخت خواهد شد که ارزیابی های منطقی از موقعیت و وضعیت موجود داشته باشد. در این لحظه بهترین راه حل آن است که موقعیت معامله خود را هر چه سریعتر قبل از اینکه زیان سنگین شود کاملا ببندد یا اینکه بخشی از معامله خود را خارج کند که این موضوع و تصمیم کاملا با توجه به اینکه معامله گر تا چه اندازه می تواند خواسته های خود را کنترل کند قابل تغییر است.

3- مرحله سوم هنگامی صورت می پذیرد که ضرر و زیان بحرانی و خطرناک می شود و امید بواسطه یاس و ناامید جایگزین خواهد شد (معامله گر تازه کار اغلب بسیار ضعیف و ناامید هستند). در این لحظه اکثر معامله گران احساس انهدام نابودی سرافکنندگی خواهند داشت و این طور به نظر می رسد تمام جهان در برابر اون جبهه گرفته اند و آماده جنگ هستند.

معامله گرانی که موفق شوند از این سه مرحله عبور کنند و در این جنگ پیروز و سربلند شوند می توانند خود را به عنوان معامله گران موفق بازار بدانند. با این حال در شغل حرفه ای بعدی او در بعد از گذر از مرحله سوم حوادثی رخ خواهد داد که به عنوان ترس شناخته می شود.

ترس زمانی وارد میدان خواهد شد که معامله گر وارد زیان می شود . برخی افراد از ترس فلج خواهند شد و اعضای بدن بی حس می شود , نمی توانند پاسخی دهند وقتی که به سمت ورشکستگی پیش خواهند رفت. معامله گران مجبور می شوند با ترس روبرو شوند و معامله منحصر به فرد انجام دهند که باعث می شود هرچه سریع تر ورشکسته شوند و به کام نابودی کشیده شوند.

در دوره بحرانی معامله گر نیاز دارد وضعیت خود را بهبود ببخشد و به جای نشستن و تماشای رویاها و امیال خود که به آرامی در حال نابودی است موقعیتش را نسبت به حالت قبل درمان کند و بجای اینکه خود را سرزنش و ملامت کند هر چه زودتر به دنبال راهکار و راه چاره ای باشد.

با این حال اقدامات بی نظم و پر هرج و مرج سریع و بدون برنامه ریزی مناسب نیستند . اقدامات باید منطقی و به تدریج در راه رسیدن به خروج از بحران باشد. معامله گر نباید هراس و وحشت کند و سریعاً برای جبران به دنبال باز کردن معامله بدون برنامه ریزی باشد که اگر این عملی را انجام دهد مجدد مراحل به صورت پیوسته ادامه دار خواهد بود.